

در سومین شماره، مجله روابط بین الملل (بهار ۱۳۵۳) مبانی و چگونگی تشکیل مرحله اول کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، نظرات دولت ها و موارد اختلاف آنها در این مورد طی مقاله مبسوطی تشریح شده بود.

با توجه به اهمیت خاص موضوع، اقدامات انجام شده، در خلال این مدت و پیشرفت هائی که در جریان مرحله دوم کنفرانس مزبور حاصل گردیده است طی این مقاله که مکمل مطالب قبلی است به اطلاع خوانندگان ارجمند می رسد.



مرحله دوم کنفرانس امنیت و همکاری اروپا

پرتال جامع علوم انسانی

مرحله دوم کنفرانس امنیت و همکاری اروپا همانطور که مقرر بود در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳ در ژنو تشکیل گردید. با توجه به مذاکرات وزرای خارجه دول شرکت کننده در مرحله اول کنفرانس، در هلسینکی، و با توجه به اصولی که اعلام و

پیشنهاد شده بود تصور می رفت که در مرحله دوم کارشناسان بتوانند به سهولت موافقت‌هایی بمنظور ایجاد اساس و پایه همکاری بین کشورهای شرق و غرب اروپا حاصل کنند و مرحله سوم کنفرانس ، بطوریکه شورویها همواره اصرار دارند ، در سطح روسای کشورها در تابستان ۱۹۷۴ در هلسینکی تشکیل گردد و مواد نهائی این قرارداد امنیت و همکاری را تصویب و امضاء کند . متاسفانه بطوریکه مشاهده می شود تابستان ۱۹۷۴ گذشت و هنوز هم نمی توان پیش‌بینی کرد که چه وقت کار مرحله دوم کنفرانس تمام و تاریخ تشکیل مرحله سوم اعلام میشود .

کنفرانس مرحله دوم در نهم سپتامبر ۱۹۷۴ پس از شش هفته تعطیل دوباره کار خود را شروع کرده است و امید می رود با امتیازاتی که کشورهای شرق مخصوصاً "دولت شوروی به کشورهای غربی داده اند و احتمالاً" باز هم خواهند داد و گذشت‌هایی هم که در مقابل کشورهای غربی نسبت به توقعات خود می نمایند کنفرانس مرحله دوم بتواند در صورتی که وقایع جدیدی نظیر جنگ اعراب و اسرائیل اکتبر ۱۹۷۳ و یا موضوع بحران نفت و انرژی پیش نیاید به بحث خود پایان بخشد و کنفرانس امنیت و همکاری اروپا مرحله سوم خود را با حضور روسای کشورهای شرکت کننده در هلسینکی تشکیل دهد .

در تمام این مدت طولانی که از جریان بحث درباره این کنفرانس می گذرد شورویها مخصوصاً " شخص برژنف که ابتکار فکر از او است با وجود مخالفت‌های داخلی که شرح قسمتی از آن در مقاله قبلی داده شد و هنوز هم شاید بیش از گذشته موجود باشد هم خود را در تمام ملاقات‌هایی که با سران کشورها داشته مصروف بحث در این کنفرانس که برای رفع تشنج پیشنهاد کرده نموده است .

در خلال این مدت در کشورهای غربی و آمریکا تغییرات مهمی روی داده و روسای جمهوری جدیدی در آمریکا و فرانسه زمام امور را بدست گرفته اند و در آلمان نیز دولت جدیدی سرکار آمده است . اختلافات این کشورها مخصوصاً " آمریکا و فرانسه برای برژنف که ضمن هدایت بلوک شرق اروپا حیثیت خود را در گروهی توفیق در سیاست رفع تشنج و عادی کردن مناسبات گذارده بود وضع بسیار دشواری را بوجود می آورد و اولین اقدام او می بایستی برقراری تماس با سران جدید این کشورها باشد و اطلاع دست اول بدست آورد که آیا آنها سیاست قبلی کشورهای خود را در رفع تشنج و

عادی نمودن مناسبات دنبال خواهند کرد و یا آنکه دیگر امید به همکاری نمی‌رود. بالاخره برژنف می‌بایستی تلاش کند و بتواند به دنیا بگوید اگر زمامداران عوض شده‌اند سیاست رفع تشنج ثابت و برقرار مانده‌است. برژنف به همین منظور با Kissinger در مسکو مذاکرات طولانی می‌کند و با صدر اعظم جدید آلمان ملاقات می‌نماید و در پنجم تا هفتم دسامبر بدیدن رئیس‌جمهور جدید فرانسه می‌رود و چون آینده سیاسی و نظامی اروپای غربی برای او درجه اول اهمیت را دارد می‌خواهد حتماً بدانند که آنها با تشویق و ترغیبی که در اتحاد اروپا می‌نمایند چه هدفی دارند و می‌خواهند کاملاً به آمریکا بپیوندند یا وضع مستقلی ایجاد کنند و بالاخره در ولادی‌وستک با رئیس‌جمهور جدید آمریکا روبرو می‌شود و در تمام این مراحل بطوریکه خواهیم دید توفیق حاصل می‌کند و موافقت اصولی آنها را جلب می‌نماید. البته اگر در ماهیت مذاکرات بین شوروی و آمریکا تغییری روی نداده‌است مثل مذاکرات مربوط به Salt و تقلیل قوا در اروپا و مسئله خاورمیانه که شرح آن قبلاً داده شد، در عوض جنگ اکتبر بین اعراب و اسرائیل و موضوع نفت امنیت واقعی اروپا را با بدست آوردن انرژی لازم مربوط ساخته و عملاً سیاست رفع تشنج را با تمام اهمیتی که برای آن قائلند تحت الشعاع قرار داده است. به این ترتیب نگرانی اروپای غربی دیگر از جانب کشورهای شرقی اروپا نیست بلکه غالباً خطر را از ناحیه کشورهای عربی و تولیدکنندگان نفت می‌دانند.

با آنکه در ملاقات رئیس‌جمهور فرانسه و برژنف دستور مذاکراتی قبلاً تعیین نشده بود ولی در واقع موضوع اصلی مذاکرات مربوط به کنفرانس امنیت و همکاری اروپا بود و هدف اصلی برژنف این بود که ببیند رئیس‌جمهوری جدید فرانسه همان سیاست ژنرال دوگل و پمپیدورا در رفع تشنج دنبال می‌کند یا سیاست جدیدی را اتخاذ نموده است. مخصوصاً آنکه اظهارات ضد کمونیستی Poniatowski وزیر کشور فرانسه با نفوذی که در دولت دارد قبل از مسافرت برژنف به پاریس این سوء ظن را پیش آورده و موجب شده بود روزنامه پراودا در شماره ۲۹ نوامبر خود در این باره مقاله مفصلی بنویسد و دوران بزرگ مناسبات فرانسه و شوروی را در زمان ژنرال دوگل و پمپیدو یادآور و متذکر شود دوستی فرانسه و شوروی برای یکدیگر جنبه حیاتی دارد و باید طرفین سعی کنند روحیه ۱۹۶۰ را دوباره زنده نمایند و راه آن هم این است که مسکو و پاریس باید متحداً موجب شوند که نتایج مثبت و مفیدی در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا

بدست آید. ضمناً "برژنف مایل بود بداند نظر دولت فرانسه نسبت به دوسلسله مذاکراتی کبکی در ژنو درباره کمیته خلع سلاح سازمان ملل متحد و دومی در وینه Wien راجع به تقلیل قوادر اروپای مرکزی مطرح بود چیست و آیا حاضر است که در این مذاکرات دوباره جای خالی خود را اشغال نماید؟ جلب نظر و همکاری دولت فرانسه نسبت به کنفرانس امنیت و همکاری اروپا با موقعیت خاص این کشور در بین دسته‌ای که پیشرفت‌های حاصله در مذاکرات مرحله دوم کنفرانس را کافی برای اعلام ختم آن و تعیین تاریخ مرحله سوم کنفرانس می‌دانند و گروهی از کشورهای غربی که سخت پا بند به اصولی هستند که نمی‌توانند از آن صرف‌نظر کنند حائز اهمیت بسیار است. این همکاری با حسن نیت طرفین بر اثر دستورهای که دولت شوروی به نمایندگان خود در کنفرانس بنی به تعدیل روش خود صادر کرد و همچنین گذشت‌هایی که فرانسه نسبت بخواسته‌ها و توقعات خود نمود بدست آمد چنانکه رئیس جمهوری فرانسه هم اظهار تمایل کرد که هر چه زودتر کنفرانس مرحله دوم خاتمه پیدا کند و مرحله سوم با شرکت سران کشورهای بطوریکه شوروی همواره در نظر داشته تشکیل گردد. ولی البته این تعدیل و تمایل دولت فرانسه نمی‌تواند دلیلی بر تغییر اساسی در نظر فرانسه باشد زیرا رئیس‌جمهور فرانسه معتقد است که اگر درباره دو موضوع که در کمیسیون سوم مطرح است از جمله روابط فرهنگی و بهم رسیدن و متحد شدن خانواده‌ها پیشرفت حاصل شود آماده است با نتایج سبکتری از آنچه بعضی از کشورهای دیگر برای تشکیل کنفرانس مرحله سوم توقع دارند قانع شود و مخصوصاً "نمی‌خواهد از شوروی به زور امتیازات زیادی درباره مبادله اطلاعات و جرائد بدست آورد. در این قسمت شورویها امتیازاتی قائل شده‌اند ولی کشورهای غربی آنها را کافی نمی‌دانند و بهمین لحاظ اعلامیه‌نهایی - که پس از ملاقات صادر شد - کاملاً "تعدیل نظر فرانسه را نشان می‌دهد. در اعلامیه آمده است که جریان و پیشرفت کنفرانس امنیت و همکاری اروپا مورد مطالعه دقیق قرار گرفت و طرفین مجدداً تاکید کردند که به این کنفرانس اهمیت زیاد می‌دهند و آن را عامل اصلی رفع تشنج در اروپا می‌دانند و معتقدند که موفقیت کنفرانس به تحکیم صلح در اروپا و دنیا کمک می‌کند. سپس اضافه می‌شود که طرفین توجه حاصل کردند که در مرحله دوم کنفرانس مخصوصاً "در هفته‌های اخیر از لحاظ تهیه و تنظیم طرح اسناد نهایی پیشرفت‌هایی اساسی حاصل شده است و همچنین دولتین اعلام می‌دارند که مصمم

هستند سعی و کوشش خود را بمنظور حل مسائل معوقه در زمینه دستورهائی که در هلسینکی مورد موافقت قرار گرفته و همچنین ختم مرحله دوم تشدید نمایند و معتقدند که زمینه مساعد و مناسبی برای پایان دادن به کنفرانس در مدتی کوتاه و انعقاد سومین مرحله و امضاء اسناد نهائی در سطح عالی آماده شده است.

در ملاقاتی که بین رئیس جمهور آمریکا جرالدفورد و برژنف در ولادی وستک روی داد دبیر کل حزب کمونیست شوروی از نظر رئیس جمهور اطمینان حاصل کرد که ایشان مثل نیکسون درباره این که مرحله سوم کنفرانس از سران کشورهای عضو تشکیل گردد موافق است. پس از ملاقاتی که بین روساء جمهور فرانسه و آمریکا در روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ دسامبر در مارتی نیک دست داد در اعلامیه‌ای که صادر نمودند به کنفرانس امنیت و همکاری اروپا نیز بدین مضمون اشاره‌ای کردند: طرفین درباره جریان مذاکرات بین شرق و غرب تبادل نظر نمودند که شامل کنفرانس امنیت و همکاری اروپا بود و هر دو رئیس جمهور ابراز ایمان کردند که پیشرفتهائی در راه رفع تشنج حاصل شده است.

در آلمان فدرال هم که همواره سیاست تمایل به شرق دولت ائتلافی مورد انتقاد قرار می‌گیرد و مخصوصاً نسبت به کنفرانس امنیت و همکاری اروپا نظر مخالفی دارند در ۱۷ اکتبر گذشته در بوندس‌تاک بحث مفصلی در این موضوع پیش آمد. درباره اظهارات آقای Genscher وزیر امور خارجه دایر بر این که چنانچه پارلمان درباره کنفرانس امنیت و همکاری اروپا اتفاق نظر داشته باشد وضع نمایندگان آلمان در کنفرانس تقویت خواهد شد توافق حاصل شد مشروط بر این که اصولی که آلمان به آن معتقد است مثل امکان متحد شدن دو آلمان و امکان تغییر مرزها با وسائل مسالمت آمیز محفوظ بماند.

همچنین در اعلامیه نهائی شورای آتلانتیک که به مذاکرات خود در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۴ در بروکسل خاتمه داد راجع به کنفرانس امنیت و همکاری اروپا چنین ذکر شده است: وزرای پیمان آتلانتیک توجه حاصل نمودند که کنفرانس امنیت و همکاری اروپا بقدر کافی پیشرفت کرده و معلوم می‌شود حصول نتایج اساسی امکان پذیر است ولی لازم خواهد بود که مسائل مهم نیز حل گردد. وزرای شورای آتلانتیک اعلام می‌نمایند که همواره دولتهای آنها مصمم هستند که با صبر و حوصله و با روح و افکار مثبت و سازنده نتایج متعادل و اساسی در تمام نکاتی که در دستور کنفرانس قرار دارد، بدست آورند بنحوی که هرچه زودتر که میسر باشد کنفرانس به کسب نتیجه رضایت بخشی نائل آید.

بطوریکه ملاحظه می‌شود کلیه کشورهای شرکت کننده در کنفرانس تحت شرایطی که انجام آنها با دادن امتیاز از یک طرف و کم نمودن توقع از طرف دیگر سهل بنظر می‌رسد - با پیشرفت کار کنفرانس و تشکیل مرحله سوم آن در سطح عالی موافقت دارند. اصرار و سعی و کوشش برژنف در این که هر چه زودتر مرحله دوم خاتمه یابد و مرحله سوم در اواسط تابستان سال ۱۹۷۵ تشکیل گردد بیشتر از این لحاظ است که در بهار آینده باید در آلمان شرقی کنفرانس پان اروپائی احزاب کمونیست و بسیاری از احزاب دیگر تشکیل شود و آنها بطور وضوح متذکر شده‌اند که کنفرانس امنیت و همکاری اروپا باید تا آن موقع پایان یابد.

توافقی که بین آمریکا و شوروی درباره عقد قرار داد بازرگانی در ۱۹۷۲ حاصل شده بود و طبق آن شوروی می‌توانست از حق کامله الوداد استفاده کند و اعتباراتی از آمریکا بدست آورد در مقابل فراهم آوردن تسهیلاتی برای مهاجرت یهودیان در شوروی بحق پیشرفت بزرگی در سیاست رفع تشنج بین دو ابرقدرت بود ولی از آن تاریخ تا بحال بسیاری از عوامل موجود در آن زمان از بین رفته است. ستاره نیکسون افول کرد، از قدرت ریاست جمهور کاسته شد، جنگ اکتبر خاورمیانه و گرانی نفت وضع جدیدی بوجود آورد و گزاف‌گوئی در تفسیر توافق سه‌جانبه‌ای که بین وزیر خارجه آمریکا و مسکو و لیدرهای سنا حاصل شده بود از جمله این که سناتور Jackson معتقد بود که بر اثر این توافق مهاجرت شصت هزار یهودی از شوروی تامین می‌شود مشکلاتی فراهم ساخت. از طرف دیگر اعتبار بسیار ناچیزی که برای شوروی در نظر گرفته بودند (سیصد ملیون دلار در چهار سال) باقیود بسیار شدیدی از قبیل این که اگر در ظرف هیجده ماه معلوم شود که شوروی به تعهدات خود عمل نکرده از مزایای حق کامله الوداد محروم می‌شود و چنانچه رئیس جمهور بخواهد این مدت را تمدید نماید باید با تصویب کنگره باشد و ماده اصلاحی سناتور Stevensen دایر بر محدود کردن اعتبار بانک صادرات و واردات و اظهارات سناتور Javits دایر بر این که رفع تشنج بستگی به ابراز حسن نیت به این توافق دارد و همچنین بوجود آمدن یک روحیه پیروزی بر مسکو Victory over Moscow وضع را بغرنج تر ساخت. تمام این مسائل که در واقع دخالت زیاده از حد کنگره در سیاستی است که دولت در نظر داشت انجام دهد (و پیشرفتهائی هم در این زمینه بدست آورده بود) و همچنین زیاده روی در کوچک نمودن وضعیف

دانستن طرف دیگر بدون توجه به اتوهای قوی که شوروی در این موقع و وضع آشفته غرب و بحران اقتصادی و پولی و انرژی در دست دارد و اشکالات داخلی در دادن امتیازات بیشتر و بالاخره وضع خاص شوروی و چین می توانست سیاست رفع تشنج را بکلی مختل نماید. اگر در این مورد به اخطار دولت شوروی در ۱۸ دسامبر هنگامی که هنوز قانون بازرگانی در سنا مطرح بود توجه بخصوص مبذول می گردید و در مورد ذکر قیود بالا در متن قانون پافشاری نمی شد و یادداشت شوروی را بمنظور حفظ صورت ظاهر تلقی نمی کردند و شوروی را مجبور نمی نمودند برای حفظ حیثیت خود قرارداد را لغو نماید، به احتمال قوی شوروی وعده هایی را که درباره تسهیل مهاجرت یهودیان داده بود مجری می داشت و مفاد نامه گرومیکو به کی سینجر مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۷۴ که در همان تاریخ هیجده دسامبر انتشار یافت و دایره بر سیاست معتدلانه ای نسبت به مهاجرت یهودیان بود رعایت می گردید. وزیر امور خارجه آمریکا اعتقاد راسخ داشت که وعده های شوروی قابل اعتماد است و چنانچه انتظاراتی را که می رود برآورده نکند اشتباه بزرگی مرتکب شده است، همانطور که این اشتباه بزرگ از ناحیه آمریکا خواهد بود اگر کنگره میزان اعتبار شوروی را محدود و دست دولت را کوتاه کند که در این صورت هم به موضوع مهاجرت وهم به سیاست رفع تشنج لطمه وارد می شود. وزیر امور خارجه آمریکا در مصاحبه ای که با مخبر مجله Business Week Magazine نمود و در دوم ژانویه انتشار یافت از این که میزان معاملات بین دو دولت را کنگره به سیصد میلیون دلار محدود کرده است اظهار عدم رضایت کرد و شدت عمل شوروی را پیش بینی نمود. ضمناً "فورد رئیس جمهور در موقع امضای قرار داد اظهار داشت که اجرای بعضی از مواد آن مشکل بنظر می رسد ولی باید متذکر شد که سه سناتور Jacob Javits و Abraham Ribicobb و Henry Jackson که موجب درج این قیود در قرار داد بازرگانی شدند به عقیده خود همچنان باقی مانده اند و می گویند توسعه روابط بازرگانی باید بموازات پیشرفت در حقوق بشر باشد و اضافه می نمایند موافقتی که درباره بازرگانی و مهاجرت حاصل شده بود بسیار منصفانه و خوب بود منتهی همینکه اعتبار به سیصد میلیون دلار در چهار سال محدود شد شوروی ها قرار داد را لغو نمودند.

مسئله "اعلام تصمیم شوروی درباره لغو قرار داد بععلی که گفته شد در روابط و مناسبات بین دو دولت بدون اثر نبوده است. روسها معتقدند آمریکاییها نه تنها

درباره مبادلات بازرگانی حسن نیت نشان نداده‌اند بلکه برخلاف وعده‌های خود درباره اینکه اوضاع و محیط خاورمیانه را مسموم نمایند رفتار کرده‌اند و اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا درباره اعمال زور در صورتیکه سیاست نفتی اعراب موجب اختناق غرب گردد بهترین گواه است. همینکه مفسرین و منابع خبری غرب لغو قرار داد بازرگانی را از طرف شوروی حمل بر تغییر سیاست شوروی تلقی کرده و در این باره قلم‌فرسایی نمودند و لغو این قرار داد بازرگانی را که هدف آن کمک به سیاست رفع تشنج و جانشین کردن همزیستی کردن مسالمت‌آمیز به همکاری بود شکست این سیاست تعبیر نمودند، روزنامه پراودا در شماره ۱۶ ژانویه خود در مقاله‌ای شدیداً "کارشناسان جرائد غرب را در مسائل شوروی مورد حمله قرار داد و نوشت اگر آنها تصور میکنند رد قرارداد بازرگانی از طرف شوروی دلیل بر آنست که در سیاست شوروی تغییری روی داده است سخت در اشتباه هستند و بعداً" نیز در شماره ۲۳ ژانویه کشورهای عضو پیمان آتلانتیک را متهم کرد که در کارکنفرانس امنیت و همکاری اروپا کارشکنی می‌کنند و با توقعات و تقاضاهای زیاد خود درباره تدابیر مربوط به جلب اعتماد و اطمینان نسبت به مسائل نظامی می‌خواهند بدین وسیله از نیروهای نظامی بلوک سوسیالیست تفتیش و نظارت کنند.

بی‌شک مشکلات اقتصادی، بالا رفتن قیمت‌ها، زیادی بیکاری و خرابی وضع پول و بحران انرژی در اروپای غربی و آمریکا هر یک موضوعی است که بحث جدیدی در محافل شوروی و متحدینش در باره هدف و حدود رفع تشنج بوجود آورده است و آن نتایجی است که باید از بحران سرمایه‌داری به نفع جنبش کمونیست بین‌المللی بدست آورد. در مطبوعات شوروی برای تخطئه سرمایه‌داری از این جریانات استفاده می‌شود از جمله Michel Souslov

مدافع سرسخت مارکسیست لنینیست بالحن انقلابی بحران سرمایه‌داری را مورد حمله قرار می‌دهد و پیروزی سوسیالیسم و کمونیست را در دنیا نوید می‌دهد. نامبرده در ۲۲ اکتبر در تاشکند بمناسبت پنجاهمین سالگرد اتحاد جمهوری ازبکستان در اجتماع رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست ازبکستان اظهار داشت شکی نیست که کاپیتالیسم هیچ‌آینده‌ای ندارد و بنیادش متلاشی شده است او ایمان دارد که اهریمن و نیروی سیاه‌ارترجاع نمی‌تواند جریان تاریخ را به عقب برگرداند و تغییر دهد. البته عده‌ای از رهبران شوروی نیز هستند که از چنین اظهارات سخت و تنیدی احتراز می‌کنند و از گرفتن نتایج عجولانه و غلط پرهیز می‌نمایند پیشوای آنها خود برژنف است که تمام هم خود را مصروف

رفع تشنج و همکاری اروپا کرده است.

بطور کلی در این مورد دو نظریه متفاوت موجود است برای عده‌ای در شوروی

رفع تشنج و مبادلات اقتصادی و کسب اعتبار و دست‌یافتن به تکنولوژی جدید که از راه عادی شدن مناسبات بین شرق و غرب حاصل می‌شود رجحان دارد. این عده معتقدند از مذاکره و گفتگوهای که بطور مساوات و برابری حاصل شده‌است مخصوصاً "بین دو ابرقدرت نباید دست برداشت و باد به آتش بحران اقتصادی و اجتماعی و صنعتی دول غرب زد و آنها را به تغییر رژیم خود تحریک کرد زیرا شاید تغییر وضع و عکس‌العمل حاصله بوجب شود مثل گذشته شخص افراطی دست راستی قدرت را در دست بگیرد و بساط فاشیسم و هیتلریسم را تجدید نماید و بدین لحاظ حزم و احتیاط را توصیه می‌نمایند و همین اندرز و نصیحت را به تمام کمونیستهای غربی در هر کجا باشند می‌دهند. بی شک این عده هم از بحران اقتصادی غرب برای پیش‌بردن مقاصد خود در مذاکرات مخصوصاً "با قدرت مالی که شوروی بر اثر افزایش بهای نفت و طلا بدست آورده استفاده‌هایی می‌کنند ولی نمی‌خواهند در این کار افراط کنند که مواجهه با عکس‌العمل نامطلوبی شوند.

نظر دوم که بیشتر جنبه ایده‌ولوژی دارد این است که باید در داخله و خارجه صفوف کمونیسم را محکم‌تر و استوارتر کرد و نظر مارکسیست‌ها را که سرمایه‌داری رو به اضمحلال می‌رود در چنین موقع بحرانی تأیید کرد و نشان داد. البته هر دودسته در یک موضوع اتفاق رای دارند و آن در دست گرفتن قدرت در دنیا است منتهی یکی حزم و احتیاط را توصیه می‌نماید و دیگری کمال استفاده را از این وضع فعلی، ولی همینقدر که برژنف می‌خواهد تعهدات و تضمینات بیشتری بدست آورد می‌رساند که هیئت حاکمه شوروی بیشتر توجه به سازش دارند تا استفاده از بحرانهای مالی و انرژی غرب چنانکه برای دبیرکل حزب کمونیست شوروی محیط صمیمانه و نتایج مثبت ملاقاتش با رئیس جمهور آمریکا در ولادی‌وستک بسیار مهم بود و مفسرین شوروی هم از این ملاقات دو روزه تجلیل کردند و عده‌ای هم که در شوروی نسبت به رفع تشنج سوء ظن داشتند در رویه خود تعدیل قائل شدند.

در پایان این بحث باید به این نکته مهم توجه داشت که توقع عده‌ای در

کشورهای غربی مبنی بر این که پیشنهاد رفع تشنج و همکاری از طرف شوروی موجب آن خواهد شد که فوری بین مردمان شرق و غرب اروپا آزادانه تماس حاصل شود و بسیاری از مسائل معوقه حل گردد ، انتظاری صحیح و منطقی نیست و همین وضع قبلی مذاکرات و بحث در پیدا کردن راه سازش و کوشش عادی نمودن مناسبات خود نتیجه سالنهای وسیع و جدیت بوده است که نباید آنرا کوچک شمرد . دولت شوروی نمی تواند به قبول پیشنهادهائی که بمنظور برهم زدن رژیم آنست تن در دهد و در همین حدود هم برای راضی نگه داشتن مخالفین داخلی مواجه با اشکال است و در راه اجرای این سیاستی که اتخاذ نموده مسئولیت بزرگی را به عهده گرفته است .

زامداران شوروی وارث ایده نولوزی مارکسیست - لنینیست هستند که پایه و بنای سیستم قدرت آنها را تشکیل می دهد و حکومت قانونی آنها مشروط و منوط به آن است لذا حقیقتاً " نمی توان انتظار داشت که آنها نفی کنند . همچنین نامبردگان نمی توانند با رقابتی که با چین کمونیست دارند اینطور وانمود کنند که به اصول خود یعنی مارکسیست - لنینیست پایبند نیستند و از نفوذ و حیثیت خود در بین کمونیست ها بکاهند و یکباره رهبری را به چین کمونیست واگذار کنند و چهره و سیمای کشورهای سرمایه داری را که تا بحال هیولائی زشت و فاسد جلوه می دادند یکمرتبه زیبا و قابل فهم و همکاری معرفی نمایند . بهمین لحاظ از حزم و احتیاط دور است اگر از همین حدودی که زامداران شوروی که رویه آنان شباهتی به بدبینی و بدگمانی دوره استالینی ندارد جلو آمده اند استفاده نشود و راه را برای مذاکرات بعدی باز نگذارند .

مبدأ " مذاکرات بین کشورهای اروپای شرقی و غربی بمنظور برقراری روابط و مناسبات عادی بین خود را می توان پیشنهاد شوروی در سال ۱۹۵۴ برای تشکیل کنفرانس امنیت و طرح رایپاک و وزیر امور خارجه لهستان در فوریه ۱۹۵۸ ، متضمن پیشنهاد غیر اتمی کردن اروپای مرکزی (لهستان - چکاسلواکی - جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان) دانست که متعاقباً " بوسیله اعلامیه های نهائی کمیته مشورتی سیاسی پیمان ورشو مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۶۶ در بخارست بمنظور تحکیم امنیت و صلح اروپا و پیام همین کمیته در ۱۲ مارس ۱۹۶۹ به کشورهای اروپائی و اعلامیه نهائی اجلاسیه وزراء خارجه پیمان آتلانتیک در دهم آوریل ۱۹۶۹ در واشنگتن ویاد داشت دولت فنلاند به تمام کشورهای اروپائی و آمریکا و کانادا برای تشکیل کنفرانس

مقدماتی مورخ پنجم مه ۱۹۶۹ و همچنین اعلامیه ۳۱ اکتبر ۱۹۶۹ کنفرانس وزرای پیسه ورشو و دیگر اعلامیه‌ها که شرح آن مفصل است و این بار تحت عنوان کنفرانس امنیت و همکاری اروپا تأیید و تأکید شده است تکمیل شد. به این ترتیب از آغاز این اقدام تاکنون بیش از بیست سال می‌گردد و در خلال این مدت بر اثر اقدامات شوروی و مخصوصاً فعالیت شخص برژنف که مبتکر صورت فعلی آن برای رفع تشنج و تثبیت وضع موجود و تبدیل همزیستی مسالمت‌آمیز به همکاری متقابل است مسلماً "پیشرفتهائی حاصل شده است و نظرات روسای جمهور آمریکا و فرانسه در ملاقات با برژنف بطوریکه در آن گذشت مؤید این امر است. هارولد ویلسن نخست‌وزیر انگلستان پس از مسافرتی اخیراً "به شوروی کرد در گزارش نتیجه مذاکرات خود با برژنف به پارلمان انگلستان رسماً اظهار داشت اگر در دو سه نکته پیشرفت سریعی دست‌بدهد می‌توان بخوبی امید داشت مرحله سوم کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در اواخر تابستان امسال تشکیل گردد. همچنین از نتیجه مذاکرات دومین کنفرانس بین‌المجالس برای همکاری و امنیت که بر حسب تصمیم اتحادیه بین‌المجالس تشکیل شد و کار خود را در ششم فوریه ۱۹۷۵ در بلگراد پس از یک هفته مذاکره خاتمه داد کاملاً" ملاحظه می‌شود که نمایندگان در این کنفرانس در واقع نمایندگان پارلمانی همان کشورهائی هستند که در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا عضویت دارند نسبت به مسائل بین‌المللی مخصوصاً "کنفرانس امنیت و همکاری اروپا رویه بسیار معتدلی از خود نشان دادند و بین نمایندگان آمریکا و شوروی رفتار ملایم سازنده‌ای مشاهده شد. همچنین وزرای ۹ کشور بازار مشترک که در سیزدهم فوریه در دوبرن اجتماع نمودند تا دستور مذاکرات شورای اروپا را تهیه کنند - که در همانجا در دهم و یازدهم مارس تشکیل شد - اول موضوعی را که در دستور قرار دادند بحث دربارهٔ کنفرانس امنیت و همکاری اروپا بود.

از مجموع مطالب فوق اینطور استنباط می‌شود که شرکت‌کنندگان در این کنفرانس که بیش از دو سال از آغاز آن می‌گذرد از این گفتگوهای دراز و بازی با کلمات خسته شده‌اند و کشورهای بی‌طرف و کشورهای بلوک شرق که همه احساس مسئولیت و رای مساوی برخوردار می‌کنند مایلند بنحوی به کار کنفرانس خاتمه دهند. البته عده‌ای هم از کشورهای غربی هستند که در کرسی نشاندن اصول خود مثل امکان تغییر مرزها با وسائل مسالمت‌آمیز رعایت کامل حقوق بشر و احترام آزادی افراد یا مبادله اطلاعات پافشاری می‌نمایند و حتی

معتقدند بهتر است کنفرانس بعد از این مدت منحل شود تا این که شوروی خواسته‌های خود را که تثبیت وضع موجود و غیر قابل تغییر بودن مرزها است بدست آورد و در مقابل امتیازات مختصری به کشورهای غربی بدهد. این نظر در اجلاسیه وزرای ۹ کشور بازار مشترک در ۱۱ ژوئن ۱۹۷۴ در برن و همچنین ۲۱ ژوئیه در اتاوا هنگام اجلاسیه شورای آتلانتیک هم بالصراحه ابراز شده و در واقع پیروان این عقیده را که وزرای خارجه آلمان و انگلستان در جریان مرحله اول کنفرانس بتندی بیان کردند تکرار می نمایند ولی هیچکدام جرات این که تقصیر بهم خوردن کنفرانس را بگردن بگیرند ندارند مخصوصاً "آنکه شوروی که مایل است کنفرانس مرحله سوم در تابستان تشکیل شود می گوید این اختلافات مهم نیست و با کمی حسن نیت می توان راه حلی برای آنها پیدا کرد.

بطوریکه قبلاً" توضیح داده شد علاوه بر کمیته هماهنگی که وظائف آن مشخص است، امنیت و همکاری اروپا به سه قسمت تقسیم می شود. در قسمت اول که مربوط به مناسبات بین کشورها و شامل ده فصل است پیشرفتهای اساسی بدست آمده و متن هفت فصل آن مورد قبول قرار گرفته است و ظاهراً" موافقت‌هایی هم درباره اشکالاتی که در تنظیم موارد مربوط به خواسته آلمان فدرال نسبت به امکان تغییر مرزها از راه‌های مسالمت آمیز و خواسته‌های بلوک شرقی راجع به اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای شرقی اروپا و غیر قابل تجاوز بودن مرزها موجود بود بنحوی مرتفع و رضایت طرفین جلب شده است. در این قسمت اول همانطور که قبلاً" اشاره شد میبایستی تدابیری برای جلب اعتماد طرفین پیش‌بینی شود در این مورد که زیر عنوان:

Confidence Building Measures ذکر شده است و ناظر بر دادن اطلاعات قبلی از مانورهای نظامی و اعزام ناظران خارجی است کشورهای غربی شدت عمل نشان می دهند و شورویها سوءظن دارند از این که کشورهای غربی می خواهند بدین وسیله از نیروی نظامی بلوک سوسیالیستی تفتیش کنند. بهمین لحاظ روزنامه پراودا در شماره بیستم فوریه ۱۹۷۵ خود کشورهای عضو ناتورا سرزنش و متهم می کند که در کار کنفرانس بعلت توقعات زیادی که دارند کارشکنی می کنند. این نکته قابل توجه است که هنگام مسافرت گرومیکو وزیر امور خارجه شوروی برای ملاقات با وزیر امور خارجه آمریکا که از مسافرت خاورمیانه مراجعت می کرد دولت شوروی مانوری را که در قسمت اروپایی شوروی اجرا می کرد قبلاً" اطلاع داد و همین می رساند که دولت شوروی در این قسمت

هم راه اعتدال را پیش گرفته است .

در قسمت دوم کنفرانس که مربوط است به همکاری اقتصادی و تکنولوژی، سهولت بین اعضاء کنفرانس توافق حاصل شد و نسبت به مواد این قسمت با هیچ اشکالی مواجه نشده‌اند . روابط بازرگانی آمریکا و شوروی در زمان ریاست جمهوری نیکسون و قبل از قرار داد ۱۹۷۲ که می‌دانیم شورویها آنرا رد نمودند در نتیجه سیاست رفع تشنج پنج برابر شد و از ۲۵۰ میلیون دلار در سالهای ۱۹۷۱ - ۱۹۶۹ به یک بلیون دلار رسید . خرید گندم از طرف شوروی از آمریکا بازرگانی فیما بین را ترقی داد بطوریکه در سال ۱۹۷۳ میزان صادرات به ۱/۴ بلیون بالغ گردید ولی سال گذشته (۱۹۷۴) که فروش گندم به شوروی نقصان پیدا کرد این رقم قدری تنزل یافت و بحدود یک بلیون دلار رسید . در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ موازنه بازرگانی بین آمریکا و شوروی بنفع آمریکا و در حدود ۵۵ به یک بود ولی این فاصله در سال ۱۹۷۴ کمتر و تفاوت ۲ به یک رسید . بین کشورهای صادرات آن بالغ بر ۱/۶ میلیون دلار بوده است و این روابط همچنان در حال توسعه است . همچنین مناسبات بازرگانی شوروی با ژاپن ، فرانسه و انگلستان رو با افزایش است و چون شوروی احتیاج مبرمی به تکنولوژی غرب دارد پس از لغو قرارداد بازرگانی با آمریکا چنانچه قرارداد جدیدی مورد موافقت قرار نگیرد ممکن است شوروی برای بدست آوردن تکنولوژی جدید به آلمان فدرال ، ژاپن ، فرانسه و انگلیس مراجعه کند . صادرات آمریکا به شوروی گذشته از گندم تمام تجهیزات صنعتی است و صادرات شوروی به آمریکا را مواد خام تشکیل می دهد . این نکته قابل توجه است که ترقی بهای نفت و طلا - دو کالای مهم صادراتی شوروی - گشایشی از لحاظ مالی برای آن دولت فراهم کرده است بطوریکه اکنون کمتر احتیاج به اعتبار خارجی دارد .

در قسمت سوم که راجع است به مسائل انسانی و احترام حقوق بشر و تماس افراد و مبادلات اطلاعات ، از ابتدا همواره بین نمایندگان کشورهای اروپای غربی و شرقی اختلاف موجود بوده و هنوز هم این اختلافات با وجود پیشرفتهائی که در این زمینه حاصل شده کاملاً " از بین نرفته است . کشورهای غربی معتقدند سیاست همکاری اروپائی نباید محدود به روابط و مناسبات بین دولت‌ها باشد بلکه باید شامل مناسبات افراد و آشنا شدن آنها با هم و ایجاد تفاهم بین آنها نیز باشد و در این قسمت پافشاری می کنند و قانونی نمودن و تثبیت وضع موجود را که دولت شوروی خواستار آن است موکول به پیشرفت

در روابط انسانی و تامین و احترام حقوق بشر می‌دانند. نمایندگان شوروی بعد از مباحثات طولانی و تهدید به این که اگر از این بن‌بست بیرون نیایند کنفرانس منحل خواهد شد، طرحی را که نمایندگان اطریش در مارس گذشته در کمیته مطرح نموده بودند پذیرفتند و بدین ترتیب پیشرفت بزرگی در این قسمت حاصل و قدم مثبتی در راه رسیدن به موافقت کلی برداشته شد. طبق این طرح چنانچه به تصویب برسد نسبت به تقاضای افرادی که می‌خواهند به اعضای خانواده خود ملحق شوند رفتار مثبت و انسانی معمول می‌گردد. و خانواده‌هایی که از هم جدا شده‌اند دوباره بهم می‌پیوندند و عبور از مرز در مورد ازدواج بین افراد غرب و شرق آزاد خواهد بود. معذالک در این قسمت سوم تنظیم متن‌ها خیلی به کندی جلو می‌رود، با آنکه مسائل مربوط به این قسمت در چهار سو کمیسیون مطرح و مورد بحث قرار گرفته است.

از مجموع آنچه ذکر شد اینطور استنباط می‌شود که زمامداران کشورهای غربی و شرقی مایل به حصول تفاهم و همکاری بیشتری بین دو بلوک هستند اما پاره‌ای ملاحظات و اختلاف نظرها که غالباً "مبنی بر سوء ظن و عدم اعتماد متقابل میباشند نیل به این هدف را مشکل ساخته است.